

نقش ویژگی‌های مکانی - فضایی مشارکت در توانمندسازی اقتصاد روستایی (مورد: دهستان ایجرود بالا - شهرستان ایجرود)

علی اکبر عنابستانی^۱، حمید شایان^۲، رضا خسروبیگی^{۳*}، علی اکبر تقلیو^۴

چکیده

مشارکت به عنوان ابزاری کارآمد، نقش مهمی در جاری شدن قدرت به منظور افزایش توان اقتصادی روستائیان در کنترل منابع و امکانات در بخش کشاورزی بازی می‌کند. در واقع مشارکت با پوشش عرصه‌های مختلف اطلاعاتی، مالی، اعتمادسازی و مهارتی در بطن خود، فضای لازم جهت دسترسی به مکانیسم‌های اعمال قدرت، کنترل و فرصت تعریف؛ جایگاه مناسب اقتصادی را برای بهره‌برداران بوجود می‌آورد. هدف از تدوین مقاله حاضر تبیین ارتباط مکانیسم مکانی - فضایی مشارکت در توانمندسازی اقتصادی ۱۴ سکونتگاه روستایی دهستان ایجرود بالا از توابع شهرستان ایجرود می‌باشد. جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه در حجم نمونه ۳۳۰ نفر و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون‌های مناسب در نرم افزار SPSS انجام شده است. بر اساس آزمون χ^2 استیودنت، سطح مشارکت در اغلب سکونتگاه‌های روستایی دهستان پایین‌تر از حد مورد انتظار است. نتایج بدست آمده از آزمون همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن تمامی ویژگی‌های مکانی - فضایی مشارکت با توانایی اعمال قدرت و کنترل بر منابع و امکانات اقتصادی بترتیب با ضرایب ۰/۲۳۰، ۰/۲۴۷، ۰/۵۶۹ ارتباط مستقیمی داشتند. همچنین نتایج رگرسیون چند متغیره نشان داد که ویژگی مکانی - فضایی مهارت در تصمیم‌گیری با ضریب تبیین ۰/۳۲۴، بیشترین تأثیر را بر میزان توانمندسازی اقتصادی کشاورزان در بهره‌برداری از عوامل تولید در نواحی روستایی داشته است. در نهایت سطح توانمندسازی اقتصادی در بخش اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی دهستان ایجرود بالا ۱/۸۱ محاسبه شد.

واژه‌های کلیدی: مشارکت، فضا، مکانی - فضایی، توانمندسازی، اقتصاد روستایی، ایجرود.

۱. دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.

۲. دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.

۳. دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.

۴. دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.

* نویسنده مسئول: khosrobeigi.reza@gmail.com ، ۰۹۱۸۹۶۴۶۲۱۱

بیان مسأله :

توانمندسازی اقتصاد روستایی در بخش کشاورزی محصول دسترسی افراد به عواملی همچون، اطلاعات، سرمایه، شبکه‌ای از اعتماد در روابط اقتصادی و مهارت در تصمیم‌گیری است که در متن فضا هویت می‌یابد و بصورت نظامند جایگاه و موقعیت روستائیان در بهره‌برداری از منابع و امکانات را در جوامع محلی تحت تأثیر قرار می‌دهند. شکل‌گیری چنین محصولی نیازمند ابزاری است که با ایجاد ارتباطات پویا، فضای لازم جهت دسترسی افراد به این عوامل را فراهم سازد و زمینه را برای تعریف موقعیت و جایگاه متوازن اقتصادی در مناطق روستایی مهیا کند. در این بین مشارکت به عنوان کنشی فضا‌مند نقش مهمی در بسترسازی روابطی با ویژگی‌هایی همچون تولید اطلاعات، جذب سرمایه، برقراری اعتماد و ارتقای مهارت در تصمیم‌گیری دارد و می‌تواند در میزان دسترسی به منابع و تعیین موقعیت اقتصادی بهره‌برداران در بخش کشاورزی مؤثر واقع شود. مشارکت عموم مردم در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری و مدیریت برای دستیابی به توسعه کشاورزی و روستایی پایدار اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. مشارکت عموم مردم از اتخاذ تصمیمات نادرست جلوگیری کرده (ملک محمدی، ۱۳۷۶: ۶) و با توان‌افزایی فکری زمینه‌تتشکیل اطلاعات، سرمایه و انتخاب عقلایی را فراهم می‌آورد. شکل‌گیری مشارکت با عنصر اعتماد و مسئولیت‌پذیری مزایایی را برای گروه‌های اجتماعی به ارمغان می‌آورد: اول، هزینه‌های اجتماعی را پایین می‌آورد و می‌تواند تولید را با کاهش فشار کاری و یا انجام صحیح آن پایدار سازد. دوم، امکان دارد مسئولیت اجتماعی یک فعالیت ضروری برای پایگاه اجتماعی به شمار آید. سوم، سرمایه‌گذاران ممکن است ارزش مسئولیت‌پذیری اجتماعی را در بازگشت سرمایه به عنوان یک فاکتور بحساب آورند (Ahlerup, 2008: 270). در واقع مشارکت به واسطه‌ی ذات خود در برگیرنده‌ی کنش و فعالیت‌هایی است که در طول زمان شکل می‌گیرند و بازتاب خود را به صورت فضای تسهیل‌کننده‌ی دسترسی به عناصر توانمندسازی نمایان می‌سازد و موقعیت اقتصادی بهره‌برداران را شکل می‌دهد.

امروزه با توجه به ضعف زیر ساخت‌های اقتصاد روستایی از جمله نابرابری ارزش اقتصاد کشاورزی در برابر اقتصاد صنعتی و خدماتی (Yao, 2002: 355)، فقدان سرمایه لازم جهت سرمایه‌گذاری و تقویت بنیان‌های اقتصاد پایدار (2007: 584 Wallace)، ضعف بیمه‌گذاری محصولات، ضعف قدرت چانه زنی روستائیان در برابر دلان و بازاربان شهری، نوسان شدید تولید، نابرابری درآمد (Yao, 2002: 355) پراکندگی شدید قطعات اراضی، عدم استفاده بهینه از منابع آب و خاک، میزان زیاد آفت‌زدگی و بسیاری از عوامل دیگر از یک طرف و ناتوانی یا ضعف توانایی مردم در کنترل و تعدیل چالش‌های فوق‌الذکر از طرف دیگر، رهیافت مشارکت مردم با یکدیگر، سازمان‌های دولتی و بازار فروش را جهت توانمندسازی مردم در کنترل و تقویت اصول و بنیان‌های اقتصاد پایدار به ضرورتی انکارناپذیر در نواحی روستایی تبدیل کرده است. زیرا مشارکت منجر به بکارگیری مکانیسم‌هایی شده است که پاسخ مطمئن‌تری به نیازهای مردم می‌دهد. این مکانیسم‌ها خط‌مشی‌های پیچیده‌ای از اقتصاد خانوار با ابعاد تولیدی، بهبود رفاه از طریق انباشت سرمایه (زمین، مهارت‌ها و زیرساخت‌ها) یا چهارچوب قیمت‌گذاری، تحقیق و توسعه کشاورزی، سیاست‌های بازاری و دسترسی به اعتبارات ارائه داده است (Zeza & et al, 2009: 1298).

با مروری اجمالی بر ساختار اقتصاد کشاورزی منطقه‌ی ایجرود مشکلات فوق‌الذکر بر روستاهای دهستان ایجرود بالا عمومیت می‌یابد. بطورکلی ساختار اقتصادی منطقه تداعی‌کننده وضعیت شکننده و تسلط نظامی سنتی در بخش کشاورزی می‌باشد. به گونه‌ای که حاکمیت این ساختار بعنوان سدی بزرگ در برابر توانمندی اقتصادی کشاورزان و مانعی جدی در بوجود آمدن زمینه‌های لازم تسهیل‌کننده اعمال قدرت بر منابع کشاورزی محسوب می‌شود. بررسی‌های انجام یافته در ارتباط با سیستم‌های مسلط تولید در محدوده دهستان ایجرود بالا نشان می‌دهد: نظام‌های بهره‌برداری در این منطقه بطور مطلق نظام خرده مالکی است. این سیستم تولیدی به جهت اندازه واحد بهره‌برداری، پراکنده بودن زمین و تعدد زیاد بهره‌برداران کارایی لازم را برای مکانیزاسیون و کشت محصولات تجاری ندارد. از سوی دیگر در چنین نظام‌هایی به جهت کهولت سنی کشاورزان و سطح سواد پایین، بهره‌برداری معقولی از منابع تولید به عمل نمی‌آید و نیروهای ادراکی و شناختی متناسب با ظرفیت‌های تولیدی شکل نمی‌گیرد. در این بین کشت غالب در منطقه نیز بصورت دیم می‌باشد که باعث شده است رقم‌ناچیزی از سرمایه-گذاری‌ها جذب بخش کشاورزی شود و عملاً میل به تولید و اشتغال در کشاورزی را شدیداً کاهش دهد. با این تفاسیر مشکلات

ریشه‌ای اقتصاد روستایی این منطقه را در نکته‌ی کلیدی عدم تشکیل زمینه‌های لازم جهت ایجاد عنصرهای توانمندسازی در بهره‌برداران نهفته می‌باشد. از این رو تحقیق حاضر در پی بازنمایی رهیافت مشارکت بعنوان ابزاری کارآمد جهت خروج اقتصاد روستایی از وضعیت کنونی و ایجاد عنصرهای زمینه‌ساز توانمندی کشاورزان در بهره‌برداری بهینه از منابع و امکانات می‌باشد. حال برای درک مفهوم فضا‌مندی مشارکت و نقش آن در توانمندسازی اقتصادی در این تحقیق باید یادآور شویم که بطور کلی، فضا در معنای جوهری خود جایی نیست که اشیاء در آن حضور پیدا می‌کنند بلکه وسیله‌ای است که به واسطه‌ی ذات خود زمینه حضور اشیاء را در خود فراهم می‌سازد. البته این اشیاء نیستند که فضایی را شکل می‌دهند، بلکه این ذات فضا است که اشیایی خاص را در خود جای می‌دهد و به آن‌ها شکل و شمایل خاصی می‌بخشد (سادات مداح، ۱۳۸۹: ۳۴). به همین منظور مشارکت با فراهم آوردن کنش و فعالیت‌های انسانی در یک مکان، مفهوم نمادینی از فضا بوجود می‌آورد که می‌تواند امکاناتی از اطلاعات، سرمایه، اعتماد و مهارت را در خود جای دهد و در نهایت محصولی به نام توانمندسازی اقتصادی تولید نماید که نتیجه آن توزیع دسترسی متعادل و متوازن به منابع در سطح مناطق روستایی می‌باشد. با توجه به آنچه گفته شد اساسی-ترین پرسش پژوهش بدین گونه مطرح می‌شود: ارتباط مکانیسم مکانی- فضایی مشارکت و توانمندسازی اقتصادی در نواحی روستایی مورد مطالعه به چه صورت می‌باشد؟

مفاهیم و ادبیات نظری :

مکان و فضا : از دید بسیاری از دانشمندان، فضا عنصر جدانشدنی ساخت مادی و ساختمان شدن زندگی اجتماعی است (رهنمایی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۵). بنابراین فضا تولید اجتماعی است و بانی تولید آن تولید کنندگان، مصرف کنندگان و کنشگران است. دولت، اجتماعات، مؤسسه‌های تولیدی و گروه‌هایی که با نظامی پیچیده از کنش‌های متقابل در مقیاس‌های مختلف درگیرند از آن جمله محسوب می‌شوند (شبلینگ، ۱۳۸۵: ۱۱۰). جایگاه و موقعیت افراد به همراه ویژگی‌های آنها وضعیت مکانی آنها را در فضا معلوم می‌کند. در واقع مفهوم مکان نه تنها در محیط طبیعی بلکه مهم‌تر از آن، در محیطی انسانی جستجو می‌شود که بخش جدایی ناپذیر بلکه آمیخته محیط‌های انسانی است که به وسیله‌ی مجموعه‌ای از دسترسی‌ها تعیین می‌شود (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۱).

توانمندسازی اقتصادی : توانمندسازی اقتصادی فرایندی است که با فراهم سازی ابزارهای لازم، قدرت استفاده‌ی بهینه از منابع را در روستائیان ایجاد و زمینه را برای ارتقای مهارت‌های ادراکی افراد و تشخیص مشکلات و تعیین اولویت‌های اقتصادی مهیا می‌کند (رضوی، ۱۳۸۴: ۲۹). بنابراین توانمندسازی اقتصادی افراد، جوامع و حتی ملت‌ها به معنی ایجاد قابلیت‌های لازم برای کسب مسئولیت جمعی در فعالیت‌های اقتصادی، به منظور دستیابی به یک زندگی بهتر و مدیر توسعه خود شدن می‌باشد (زاهدی‌مازندرانی، ۱۳۸۹: ۲۷۶). با این تفاسیر توانمندسازی اقتصادی محصول توازن قدرت در روابط فضایی است.

مشارکت اقتصادی : مشارکت اقتصادی، ابزار تولید اعمال قدرت و کنترل بر منابع در متن فضا است. مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی بر تأثیرگذاری بر شیوه و پویای تولید، روابط حاکم بر این پویا و وسایل مادی تولید برای رفع نیازهای مادی و افزایش تولید متمرکز است که در قالب مداخله و درگیر شدن افراد در نظام تصمیم‌گیری مربوط به تخصیص منابع اقتصادی و مشارکت در سیاست توسعه اقتصادی نمود پیدا می‌کند (سعیدی، ۱۳۸۲: ۱۱). بر همین اساس مکانیسم مکانی- فضایی مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی را می‌توان قدرت دسترسی متعادل به منابع و بهبود موقعیت اقتصادی افراد با هدف کنترل توزیع بهینه امکانات در جوامع محلی برشمرد که در سایه تولید اطلاعات، جذب سرمایه، برقراری اعتماد و ارتقای مهارت در تصمیم‌گیری شکل می‌گیرد و به طور کلی تعدیل کننده روابط حاکم بر تولید و مصرف عقلایی از منابع با رشد و توزیع متوازن می‌باشد. هماهنگی این عناصر در کنار هم تداعی کننده فضای مشارکتی در فعالیت‌های اقتصادی می‌باشد.

ارتباط مشارکت و توانمندسازی اقتصادی :

بطور کلی اقتصاد روستایی در برگیرنده فضایی از روابط و شیوه‌های تولید است که کنترل کننده‌ی اصول زیربنایی اقتصاد یعنی تولید، توزیع و مصرف می‌باشد. زمانی نظام اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی از بهره‌وری و کارایی لازم برخوردار می‌شود که دسترسی به منابع و امکانات جهت ارتقای ظرفیت‌های شناختی، تسهیل مبادلات، توسعه زیرساخت‌ها و مهارت در تصمیم-

گیری فراهم باشد. پیش نیاز دستیابی به این امر توزیع متعادل منابع و عوامل قدرت در سطح جوامع روستایی است؛ به گونه‌ای که فرصت دسترسی همگان به الزامات توسعه اقتصادی یعنی، اطلاعات، سرمایه، مهارت و اعتماد در روابط میسر شود. تنها مکانیسمی که فضای لازم را در تولید این عناصر در بطن خود نهفته دارد مشارکت می‌باشد (گرچی، ۱۳۸۹: ۴۱). مشارکت در ایجاد فضای دسترسی به منابع در عرصه‌های مختلف اقتصادی دخالت خواهد نمود که عبارتند از:

الف) دسترسی به اطلاعات و دانش در روابط اقتصادی:

دسترسی وسیع مردمی به اطلاعات یک گام کلیدی در فرایند توانمندسازی به حساب می‌آید (www.iec.hbi.ir /pdf /Books). اساساً اطلاعات ابزاری برای اعمال قدرت در بخش کشاورزی می‌باشد. افراد مطلع و آگاه برای استفاده مؤثر از موقعیت و فرصت‌های دسترسی به بذور کشاورزی، کودهای کشاورزی، سموم کشاورزی، ادوات و ماشین‌آلات کشاورزی، وام‌های کشاورزی، حمل و نقل محصولات کشاورزی، فناوری اطلاعات، فرآوری محصولات کشاورزی و بازار محصولات کشاورزی بخوبی مجهز هستند. مشارکت به عنوان فرایند تعاملی و کنش هدفمند با ایجاد فضای گفت‌وگو بین روستائیان کشاورز، مروجان جهاد کشاورزی، فروشندگان نهاده‌های کشاورزی و بازار، موجب تبلور افکار می‌شود و بر اساس شبکه‌ای از روابط داده‌های نهفته در افراد را سازماندهی و محصولی به نام اطلاعات بوجود می‌آورد. سپس بر اساس خاصیت گفت‌وگویی خود به تحلیل، پردازش و ذخیره اطلاعات می‌پردازد و محصول دیگری به نام دانش را تولید می‌کند (حسنی، ۱۳۸۸: ۹۶).

ب) دسترسی به منابع مالی و اعتبارات در روابط اقتصادی:

عموماً جذب سرمایه و سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی بنا به ماهیت شکننده‌ی این فعالیت نیاز به روحیه ریسک‌پذیری بالا و شکل‌گیری تمایلات فرصت‌طلبی در روستائیان می‌باشد. بطور کلی مشارکت به عنوان ابزاری توانمند با ایجاد فضای انگیزشی تمایلات و روحیات ریسک‌پذیری را در افراد پرورش می‌دهد. در واقع مشارکت کنشی است هدفمند که برتابنده‌ی شبکه اجتماعی، اعتماد و قوانین می‌باشد. شبکه‌های اجتماعی، جریان اطلاعات و شناخت را تسهیل کرده، هزینه‌های مبادلات اقتصادی را کاهش داده و به همان مقدار فرایند تولید را پایدار می‌سازد (Tiepoth & et al, 2004: 428). اعتماد از طریق کاهش ریسک می‌تواند بر نرخ پس‌انداز جامعه اثر گذاشته و سبب افزایش میزان پس‌انداز شود (رحمانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۳). بنابراین مشارکت اجتماعی توان مالی افراد و سلامت فکری را در حوزه اقتصاد افزایش می‌دهد و کسب ثروت را امکان‌پذیر می‌سازد (محمدی، ۱۳۷۶: ۱۰۵).

ج) دسترسی به شبکه‌ای از اعتماد در روابط اقتصادی:

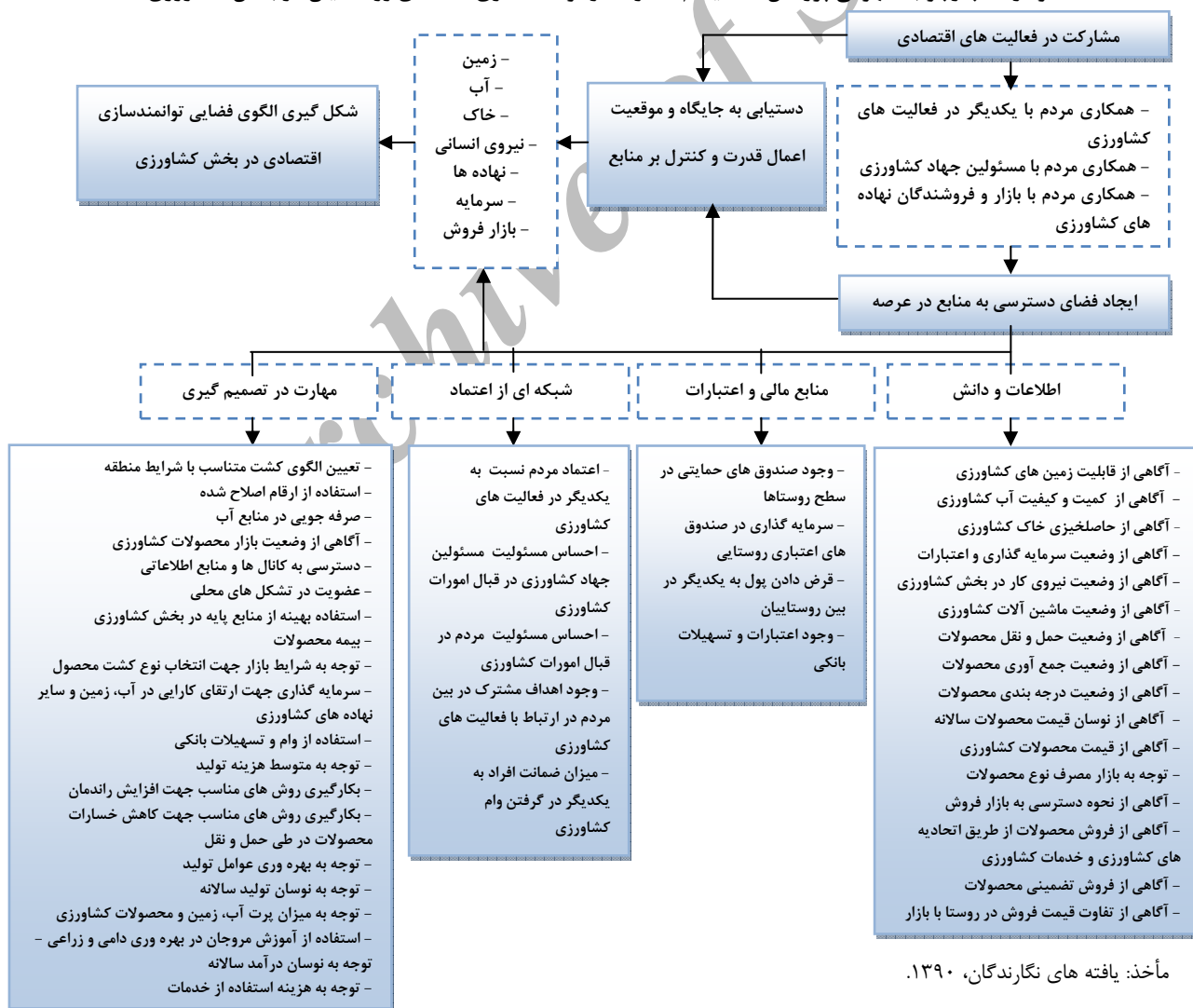
در حوزه علوم اجتماعی اعتماد به عنوان ویژگی روابط اجتماعی یا ویژگی نظام اجتماعی مفهوم سازی می‌شود. بنابراین اعتماد خصیصه مرکزی شخصیتی افراد نیست بلکه افرادی که در آن مشارکت می‌کنند، از آن سهم دارند (اجاقلو و همکاران، ۱۳۸۴: ۹۶). در واقع مشارکت باعث درهم ریختگی عادات کهنه بی‌اعتمادی، پنهانکاری و عدم همکاری از یک سو و پدید آوردن گشودگی، اعتماد و چاره جویی همگانی و مشترک از سوی دیگر می‌شود (آغاز، ۱۳۷۸: ۳۷). اعتماد شکل گرفته از فعالیت مشارکتی روستائیان، مروجان، فروشندگان نهاده‌ها و بازار در بخش کشاورزی با کاهش هزینه مبادلاتی و کمک به حقوق مالکیت و جنبه‌های مختلف دیگر بر کارایی بخش‌ها و نهاده‌های مختلف جامعه تأثیر بسزایی داشته باشد (رحمانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۴). اصولاً اعتماد، اساس مبادله دانش را تشکیل می‌دهد. طبعاً به وجود آمدن اعتماد در بستری از صمیمیت و ارتباطات شخصی شکل می‌گیرد که تبادل غیررسمی دانش را تسهیل کرده، امکان اشتراک گذاری اطلاعات جزئی و راهبردی را افزایش می‌دهد (قربانی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۳).

د) دسترسی به مهارت تصمیم‌گیری و حل مسأله در روابط اقتصادی:

تصمیم‌گیری یک عمل خردمندانه و عقلایی است که پیش درآمد آن شناخت و آگاهی است (فاضل‌نیا و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۲۰) و در ارتباط با فعالیت‌های جمعی معنا و مفهوم می‌یابد «عقلانی شدن فرآیندی جمعی است و فرد به تنهایی نمی‌تواند معقول باشد و سعادت جمع را آرزو کند، زیرا تابع امیال خویش است» (حاجی‌هاشمی، ۱۳۸۴: ۲۶). بر همین اساس تصمیم‌گیری به عنوان فرایند عقلایی مستلزم وجود بستری از فعالیت‌های گروهی و مشارکت در کارهای جمعی است.

مشارکت با ایجاد فضای گفتمان بین روستائیان، مروجان جهاد کشاورزی، فروشندگان نهاده‌های کشاورزی و بازار، موجب تبلور افکار می‌شود و بر اساس شبکه‌ای از روابط داده‌های نهفته در افراد را سازماندهی و محصولی به نام اطلاعات همچون عوامل تولید و نحوه عرضه محصولات کشاورزی را برای افراد قابل دسترس می‌کند. بعد از دسترسی به دانش و سازماندهی اطلاعات، فرد قادر می‌شود تا عنصر مورد نظر خود را از سایر عناصر متمایز کند، مهارت تشخیص پدیده‌ها را داشته باشد و هم-چنین آن‌ها را به پدیده‌های دیگر ارتباط دهد. با تحلیل و بررسی راه‌حل‌های مختلف، راه‌حل بهتر با توجه به ملاک‌هایی انتخاب می‌شود و به تصمیم‌گیری یعنی تعیین الگوی کشت متناسب با شرایط منطقه، استفاده از ارقام اصلاح شده، استفاده از آبیاری تحت فشار، صرفه‌جویی در منابع آب، آگاهی از وضعیت بازار و بیمه محصولات کشاورزی، استفاده از وام و تسهیلات بانکی، توجه به نوسان درآمد سالانه، توجه به فرآوری محصولات کشاورزی و... منتهی می‌شود. بنابراین فرایندی است عقلایی و رفتار هدفدار و سنجیده با خود به همراه دارد و تداعی کننده شکل‌گیری مهارت تصمیم‌گیری در افراد می‌باشد. در سایه شکل‌گیری مهارت در تصمیم‌گیری است که کشاورزان توانایی تحلیل و شناخت مشکلات را کسب نموده و در نتیجه فهم بهتری از مسأله به دست می‌آورند. در نهایت رویکرد اصیل و حقیقی مشارکت در بخش کشاورزی، با موازنه‌ی قدرت در جامعه ارتباط دارد و بر اساس تقسیم مجدد قدرت در دسترسی افراد به عرصه‌های مختلف اطلاعاتی، مالی، اعتمادسازی و مهارت در تصمیم‌گیری مفهوم سازی می‌شود. این وضعیت توانمندی اعمال قدرت و کنترل بر عوامل تولید یعنی زمین، آب، خاک، نیروی انسانی و نهاده‌های کشاورزی، فرآوری محصولات و بازار فروش محصولات را در کشاورزان بوجود می‌آورد. (نمودار شماره ۱).

نمودار ۱- چارچوب مفهومی پژوهش، مکانیسم مشارکت و توانمندسازی اقتصادی روستائیان در بخش کشاورزی

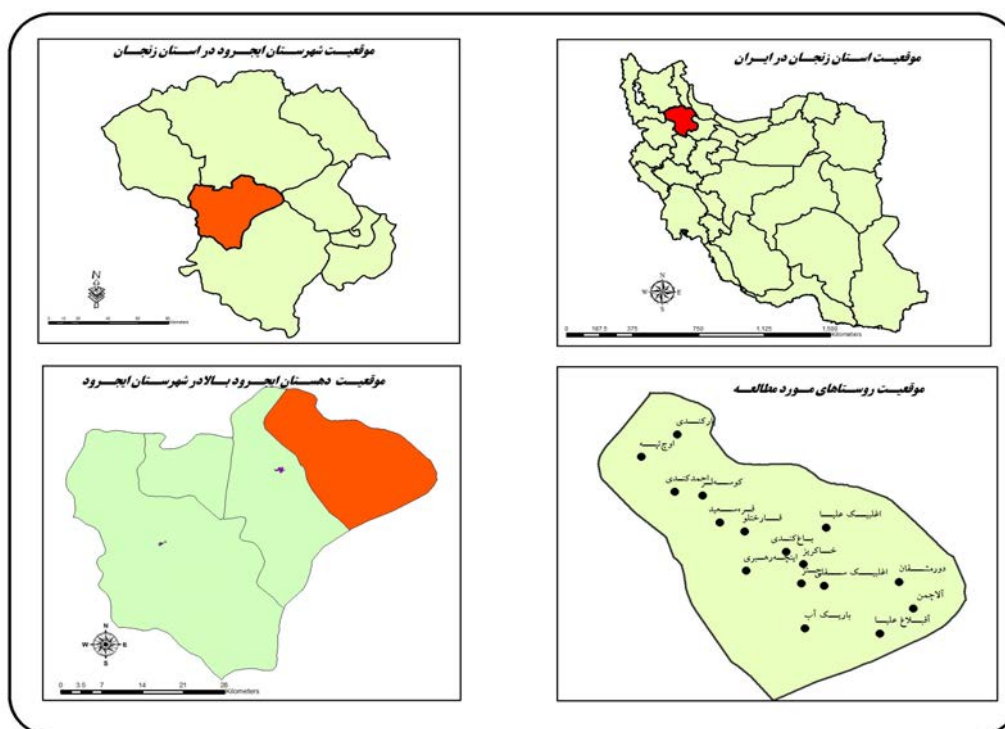


مأخذ: یافته‌های نگارندگان، ۱۳۹۰.

- در نهایت با توجه به مبانی نظری و در ارتباط با چارچوب مفهومی شکل گرفته فرضیات زیر قابل ارائه هستند:
- به نظر می‌رسد بین میزان دسترسی به اطلاعات و دانش و سطح توانمندی اقتصادی روستائیان در منطقه مورد مطالعه رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین میزان دسترسی به شبکه‌ای از اعتماد در روابط اقتصادی و سطح توانمندی اقتصادی روستائیان در منطقه مورد مطالعه رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین میزان دسترسی به منابع مالی و اعتبارات و سطح توانمندی اقتصادی روستائیان در منطقه مورد مطالعه رابطه معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین میزان مهارت در تصمیم‌گیری و سطح توانمندی اقتصادی روستائیان در منطقه مورد مطالعه رابطه معناداری وجود دارد.

قلمرو پژوهش :

دهستان ایجرود بالا بین ۴۷ درجه ۴۹ دقیقه تا ۴۸ درجه ۳۵ دقیقه عرض شمالی و ۳۶ درجه ۵ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۳۴ دقیقه طول شرقی واقع شده است. از سمت شمال و جنوب به شهرستان‌های زنجان و خدابنده، از سمت شرق و غرب با شهرستان ابهر و دهستان گلابر همجوار است. این دهستان از نظر ارتباطی در مسیر جاده زنجان به کردستان و در فاصله ۳۵ کیلومتری مرکز استان زنجان واقع شده است. (شکل شماره ۱). دهستان ایجرود بالا در بخش مرکزی شهرستان ایجرود واقع شده و بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، ۱۰۰۸۳ نفر جمعیت داشته است که ۲۳۴۳ خانوار آن در ۱۴ روستا سکونت دارند.



شکل ۱- موقعیت جغرافیایی - سیاسی منطقه مورد مطالعه

روش تحقیق :

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری ۲۳۴۳ خانوار روستایی می‌باشد و حجم نمونه بر اساس فرمول شارپ- کوکران از کل خانوارهای بهره‌برداران کشاورزی مورد مطالعه ۳۳۰ نمونه تعیین و به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده هدف مورد مطالعه قرار گرفتند. همچنین، از پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده و میزان اعتبار پرسشنامه

نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برآورد شده است ($\alpha = 0/7812$). داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS و از طریق آزمون t ، همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن و رگرسیون گام به گام، تجزیه و تحلیل شده‌اند. با توجه به اهداف و فرضیه‌های تحقیق حاضر متغیرها از طریق پرسشنامه و بر اساس طیف لیکرت (خیلی زیاد = ۵، زیاد = ۴، متوسط = ۳، کم = ۲، خیلی کم = ۱، اصلاً = ۰)، مورد سنجش قرار گرفته‌اند.

یافته‌های تحقیق :

وضعیت مشارکت در دسترسی به منابع و امکانات اعمال قدرت :

وضعیت مشارکت در بخش کشاورزی در سطح ۴۵ شاخص و ۱۴ سکونتگاه روستایی دهستان ایجرود بالا نشان می‌دهد که میانگین مشارکت در آن‌ها ۱/۷۸ می‌باشد. (جدول شماره ۱). سپس بر اساس آزمون t تک نمونه‌ای، عدد ۳ به عنوان میانه نظری پاسخ‌ها با میانگین مشارکت مردم در بخش کشاورزی مقایسه گردید. با توجه به نتایج جدول شماره ۲ ملاحظه می‌شود که بین میانگین مشارکت و عدد ۳ اختلاف معناداری وجود دارد ($P < 0/05$). بنابراین، بر اساس نتایج بدست آمده از آزمون سطح اکثر شاخص‌های مشارکت در بخش کشاورزی دهستان در حد پایین‌تر از متوسط ارزیابی شده است.

جدول ۱- وضعیت شاخص‌های مشارکت در روستاهای دهستان ایجرود بالا

میانگین	شاخص‌های مشارکت	میانگین	شاخص‌های مشارکت
۱/۹۳	وجود اهداف مشترک در بین مردم در ارتباط با فعالیت‌های کشاورزی	۲/۹۶	آگاهی از قابلیت زمین‌های کشاورزی
۳/۲۹	میزان ضمانت افراد به یکدیگر در گرفتن وام کشاورزی	۲/۳۹	آگاهی از کمیت و کیفیت آب کشاورزی
۱/۵۰	تعیین الگوی کشت متناسب با شرایط منطقه	۲/۷۱	آگاهی از حاصلخیزی خاک کشاورزی
۱/۴۶	استفاده از ارقام اصلاح شده	۲/۲۵	آگاهی از وضعیت سرمایه گذاری و اعتبارات
۰/۶۴	صرفه جویی در منابع آب	۱/۹۶	آگاهی از وضعیت نیروی کار در بخش کشاورزی
۱/۶۱	آگاهی از وضعیت بازار محصولات کشاورزی	۲/۳۲	آگاهی از وضعیت ادوات و ماشین آلات کشاورزی
۱/۹۳	دسترسی به کانال‌ها و منابع اطلاعاتی	۱/۰۷	آگاهی از وضعیت حمل و نقل محصولات
۱/۳۹	عضویت در تشکل‌های محلی	۱/۳۶	آگاهی از وضعیت جمع‌آوری محصولات
۲/۶۴	استفاده بهینه از منابع پایه در بخش کشاورزی	۲/۸۶	آگاهی از وضعیت درجه بندی محصولات
۱/۲۹	بیمه محصولات	۰/۸۶	آگاهی از نوسان قیمت محصولات سالانه
۱/۶۸	توجه به شرایط بازار جهت انتخاب نوع محصول کشت شده	۲/۰۷	آگاهی از نحوه اطلاع رسانی درباره قیمت محصولات
۲/۹۶	سرمایه گذاری در ارتقای کارایی عوامل تولید کشاورزی	۱/۷۱	توجه به بازار مصرف نوع محصولات
۱/۸۹	استفاده از وام و تسهیلات بانکی	۱/۶۴	آگاهی از نحوه دسترسی به بازار فروش
۲/۱۴	توجه به متوسط هزینه تولید	۰/۹۶	آگاهی از فروش محصولات از طریق اتحادیه‌های کشاورزی
۱/۷۱	بکارگیری روش‌های مناسب جهت افزایش راندمان	۲/۱۴	آگاهی از فروش تضمینی محصولات
۲/۰۴	بکارگیری روش‌های مناسب در کاهش خسارات محصولات در طی حمل و نقل	۰/۵۷	آگاهی از تفاوت قیمت فروش در روستا با بازار مصرف
۲/۱۸	توجه به بهره‌وری عوامل تولید	۰/۰۰	وجود صندوق‌های حمایتی در سطح روستاها
۰/۵۷	توجه به نوسان تولید سالانه	۰/۰۰	سرمایه گذاری در صندوق‌های اعتباری روستایی
۲/۹۳	توجه به میزان پرت آب، زمین و محصولات کشاورزی	۳/۷۱	قرض دادن پول به یکدیگر در بین روستاییان
۱/۵۷	استفاده از آموزش مروجان در بهره‌وری دامی، زراعی و باغی	۱/۸۶	وجود اعتبارات و تسهیلات بانکی
۰/۵۷	توجه به نوسان درآمد سالانه	۱/۰۰	اعتماد مردم نسبت به یکدیگر در فعالیت‌های کشاورزی
۲/۳۹	توجه به هزینه استفاده از خدمات	۱/۷۱	احساس مسئولیت جهاد کشاورزی در قبال امورات
		۱/۵۷	احساس مسئولیت مردم در قبال امورات کشاورزی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۰

جدول ۲- میانگین مشارکت در بخش کشاورزی و نتایج آزمون t برای تحلیل معناداری آن

استاندارد آزمون = ۳								وضعیت	
فاصله اطمینان تفاوت ۹۵٪		تفاوت میانگین	معناداری (۲دامنه)	df	t	انحراف معیار	میانگین		
بالا	پایین								
-۱/۱۲	-۱/۳۱	-۱/۲۲	۰/۰۰۰	۳۲۹	-۲۷/۶۶	۰/۱۶۵	۱/۷۸	۳۳۰	مشارکت

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۰

وضعیت مشارکت در دسترسی به منابع و امکانات در عرصه‌های مختلف فعالیت‌های کشاورزی :

برای بدست آوردن وضعیت مشارکت در عرصه‌های مختلف اطلاعاتی، مالی، اعتماد سازی و کسب مهارت تصمیم‌گیری، از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شد. همانطور که مطرح گردید، عدد ۳ به عنوان میانه نظری وضعیت مشارکت در عرصه‌های مختلف انتخاب شد. نتایج آزمون حاکی از آن است که در هیچ یک از عرصه‌های مورد نظر، میزان بدست آمده بالاتر از میانه نظری نمی‌باشد. (جدول شماره ۳).

جدول ۳- نتایج آزمون t برای تحلیل معناداری در عرصه‌های مختلف فعالیت‌های کشاورزی دهستان ایچرود

استاندارد آزمون = ۳								ابعاد مشارکت	
فاصله اطمینان تفاوت ۹۵٪		تفاوت میانگین	معناداری (۲دامنه)	df	t	انحراف معیار	میانگین		
بالا	پایین								
-۰/۹۷۹	-۱/۲۸	-۱/۱۳	۰/۰۰۰	۳۲۹	-۱۵/۹۶	۰/۲۶۵	۱/۸۶	۳۳۰	اطلاعات و دانش
-۱/۴۹	-۱/۷۱	-۱/۶۰	۰/۰۰۰	۳۲۹	-۳۱/۸۲	۰/۱۸۸	۱/۳۹	۳۳۰	منابع مالی و اعتباری
-۱/۰۰	-۱/۱۹	-۱/۱۰	۰/۰۰۰	۳۲۹	-۲۶/۳۳	۰/۱۵۶	۱/۹۰	۳۳۰	شبکه ای از اعتماد
-۱/۱۱	-۱/۳۷	-۱/۲۴	۰/۰۰۰	۳۲۹	-۲۰/۴۷	۰/۲۲۷	۱/۷۵	۳۳۰	مهارت در تصمیم‌گیری

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۰

وضعیت توانمندسازی اقتصادی روستاییان در بخش کشاورزی :

از ترکیب مقولات مطرح شده وضعیت توانمندسازی اقتصادی روستاییان در بخش کشاورزی سکونتگاه‌های روستایی دهستان بدست آمد. نتایج بیانگر این امر می‌باشد که وضعیت توانمندی اقتصادی در این منطقه از شرایط مناسبی برخوردار نیست و میانگین آن ۱/۸۱ می‌باشد که از حد مورد انتظار در طیف لیکرت پایین‌تر می‌باشد. در واقع عدم شکل‌گیری بسترهای لازم جهت شکل‌گیری توانمندسازی اقتصادی بخش کشاورزی را به گونه‌ای درآورده است که دسترسی کشاورزان به منابع و امکانات در پایین‌ترین حد ممکن خود قرار گرفته است. (جدول شماره ۴).

جدول ۴- وضعیت شاخص‌های توانمندسازی اقتصادی بخش کشاورزی در روستاهای دهستان ایچرود بالا

میانگین	شاخص‌های توانمندسازی اقتصادی	میانگین	شاخص‌های توانمندسازی اقتصادی
۱/۸۹	توانایی کنترل و اعمال قدرت بر نهاده‌های کشاورزی	۱/۸۶	توانایی کنترل و اعمال قدرت بر زمین کشاورزی
۲/۴۳	توانایی کنترل و اعمال قدرت بر منابع مالی	۱/۶۱	توانایی کنترل و اعمال قدرت بر منابع آب
۱/۵۳	توانایی کنترل و اعمال قدرت بر بازار فروش	۱/۷۹	توانایی کنترل و اعمال قدرت بر منابع خاک
		۱/۵۷	توانایی کنترل و اعمال قدرت بر نیروی انسانی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۰

تحلیل همبستگی بین دسترسی به ویژگی‌های مکانی - فضایی مشارکت و توانمندی اقتصادی :

برای بررسی همبستگی بین دسترسی به ویژگی‌های مکانی - فضایی مشارکت و توانایی اعمال قدرت و کنترل بر منابع و امکانات از آزمون همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن استفاده شد. همبستگی میان این ویژگی‌ها نشان می‌دهد بین دسترسی به ویژگی‌های مکانی - فضایی مشارکت و توانمندی اقتصادی رابطه معنادار وجود دارد. (جدول شماره ۵).

جدول ۵- نتایج آزمون فرضیات با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن

نوع ارتباط	معناداری (۵۲دانه)	ضریب همبستگی	تعداد	فرضیه
مثبت	۰/۰۲۵	۰/۲۸۷	۳۳۰	دسترسی به اطلاعات و دانش و سطح توانمندی اقتصادی روستائیان
مثبت	۰/۰۲۹	۰/۲۳۰	۳۳۰	دسترسی به منابع مالی و اعتباری و سطح توانمندی اقتصادی روستائیان
مثبت	۰/۰۴۶	۰/۲۴۷	۳۳۰	دسترسی به شبکه ای از اعتماد و سطح توانمندی اقتصادی روستائیان
مثبت	۰/۰۱۷	۰/۵۶۹	۳۳۰	دسترسی به مهارت در تصمیم گیری و سطح توانمندی اقتصادی روستائیان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۰

همانطور که ذکر شد در عصر حاضر، اطلاعات منشاء قدرت و در حقیقت عین قدرت است. در واقع دسترسی اقشار وسیع به اطلاعات یک گام کلیدی در روند توانمندسازی اقتصادی مردم در نواحی روستایی به حساب می‌آید. این مرحله زیربنایی سرآغاز حالت آگاهی، آمادگی ذهنی مردم برای ایفای نقش و اقدام برای بهبود وضع موجود و ساختن شرایطی مناسب جهت دسترسی به سایر منابع و بهره‌برداری بهینه از امکانات و ظرفیت‌ها می‌باشد. بنابراین توزیع و انتشار متعادل اطلاعات نقش مهمی را در ایجاد توانایی بالقوه یادگیری و ارتقای سطوح آگاهی دانش و مهارت‌ها بازی می‌کند. بطور کلی مشارکت ابزاری با پیوندی چند سویه است که باعث پیدایش دانش و آگاهی می‌گردد و در از بین بردن دشواری‌ها و گشودن مرزهای بسته به راه‌های تازه کمک می‌نماید. در تقویت ظرفیت‌های شناختی و ادراکی کشاورزان مؤثر است و توان آنها را در ارتقای بهره‌وری عوامل تولید فزونی می‌دهد و رهنمون به هدف‌های والا می‌کند. نتایج بدست آمده از آزمون همبستگی اسپیرمن با ضریب همبستگی ۰/۲۸۷ و سطح معناداری ۰/۰۲۵ مؤید ارتباط مستقیم بین اطلاعات و توانایی اعمال قدرت و کنترل بر منابع و امکانات در سکونتگاه‌های روستایی دهستان ایجرود بالا می‌باشد.

بنابراین توانمندسازی اقتصادی در نواحی روستایی محصول روند انعطاف ذهنی و تحرک اندیشه در افراد می‌باشد که پیش شرط این آمادگی ذهنی مجهز کردن روستائیان به اطلاعات و آگاهی می‌باشد. بطور کلی سرمایه به عنوان محدودترین عامل تولید در کشاورزی، از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا تأمین آن موجبات تجهیز و تکمیل جریان پس‌انداز کشاورزان و روستائیان و تأمین نهاده‌های کشاورزی و بهبود وضعیت زیربنایی جهت افزایش راندمان تولید و دستیابی به امنیت غذایی پایدار را فراهم می‌سازد. در رابطه با دسترسی کشاورزان به منابع مالی و اعتبارات باید پذیرفت که به خاطر پایین بودن سطح تولید و درآمد سرانه در بین کشاورزان، امکان تشکیل سرمایه در آنها کم بوده و لذا امکان پس‌انداز کشاورزان از این محل برای خرید نهاده‌ها و سرمایه‌گذاری زیربنایی محدود است. منابع مربوط به بودجه دولت نیز علاوه بر محدودیت‌های موجود، بیشتر به امور زیربنایی اختصاص پیدا می‌کند. در چنین فضایی و با وجود محدودیت‌های فوق نقش مشارکت به عنوان ابزار تأمین اعتبارات و جذب سرمایه حائز اهمیت فراوان است. زیرا مشارکت می‌تواند با فراهم آوری مکانیسم‌های لازم هم در تشکیل گروه‌های خودیاری جهت به جریان درآوردن سرمایه‌های راکد در سطح روستا و هم در ایجاد شخصیت حقوقی جهت جذب تسهیلات بانکی و دولتی کارساز باشد و در نهایت آثار قابل توجهی در مدیریت سیستم‌های کشاورزی، افزایش درآمد و پس‌انداز، تأمین نهاده‌های مختلف کشاورزی و امنیت غذایی خانوارهای روستایی داشته باشد.

در این ارتباط نتایج بدست آمده از آزمون همبستگی اسپیرمن ارتباط مثبت بین دسترسی به منابع مالی و اعتباری و توانایی اعمال قدرت و کنترل بر منابع و امکانات با ضریب همبستگی ۰/۲۳۰ و سطح معناداری ۰/۰۲۹ تأیید می‌کند. بنابراین دسترسی به منابع مالی و اعتبارات کشاورزی نقش مهمی در توسعه اقتصادی بخش کشاورزی دارا می‌باشد. در این راستا اعتماد به عنوان خصوصیتی برخاسته از مشارکت مردمی می‌تواند نقش مهمی در کارایی فعالیت‌های اقتصادی بازی کند. در واقع اعتماد در متن کنش‌های مشارکتی انسان نمود پیدا می‌کند، که به تعبیر کلمن «قدرت عمل کردن را تسهیل می‌کند». از مهم‌ترین کارکردهای اقتصادی اعتماد این است که هزینه‌های مبادلاتی مربوط به هماهنگی‌های رسمی نظیر قراردادهای سلسله-مراتب، مقررات دیوانسالارانه، هزینه‌های کسب اطلاعات و هزینه‌های مربوط به فعالیت‌های قانونی را کاهش می‌دهد. اعتماد همچنین تبادل اطلاعات بین طرفین را تسهیل می‌کند و تمایلات ریسک‌پذیری و فرصت طلبی را در فرد شکوفا می‌سازد و در

کل به کارا شدن هرچه بیشتر تخصیص پویای منابع کمک می‌کند. بر اساس نتایج بدست آمده ضریب همبستگی بین دسترسی به شبکه‌ای از اعتماد در روابط اقتصادی و توانایی اعمال قدرت و کنترل بر منابع و امکانات ۰/۲۴۷ محاسبه شده است که این نشان دهنده وجود ارتباط بین این دو متغیر می‌باشد. از طرفی مقدار معنی داری آزمون همبستگی ۰/۰۴۶ می‌باشد. بنابراین نتیجه می‌گیریم که بین دسترسی به شبکه‌ای از اعتماد در روابط اقتصادی و توانایی اعمال قدرت و کنترل بر منابع و امکانات رابطه معنی‌داری وجود دارد. به عبارتی با افزایش دسترسی به شبکه‌ای از اعتماد در روابط اقتصادی میزان توانایی اعمال قدرت و کنترل بر منابع و امکانات در کشاورزان افزایش یافته است. لذا می‌توان گفت: اعتماد از طریق تسهیل تبادل اطلاعات و ایجاد فضای امن در روابط فرصت های تجاری مناسبی را بوجود می‌آورد و توان ریسک پذیری افراد را جهت سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های کشاورزی افزایش می‌دهد.

سرانجام دستیابی به مهارت در تصمیم‌گیری و ارتقای مهارت‌های ادراکی جهت تشخیص مسائل و تعیین نیازها رکن اساسی رشد و پویایی نظام اقتصادی مناطق روستایی است. امروزه برای دستیابی به سطح بهره‌وری و یا موفقیت در عرصه فعالیت‌های اقتصادی در نواحی روستایی کشاورزان می‌بایست در فرایند مستمر تصمیم‌گیری درگیر شوند. حال تصمیم‌گیری یک فرایند عقلایی - منطقی است و تحقق آن مستلزم کنترل آگاهانه کشاورزان بر مسائل است. در این بین مشارکت با فراهم آوردن جریانی عقلایی و برانگیختن حضور آگاهانه مردم در فعالیت‌های اقتصادی بستر مناسبی را جهت ایجاد توانایی کنترل خردمندان کشاورزان بر منابع و امکانات فراهم می‌آورد و در شکل‌گیری مهارت تصمیم‌گیری مؤثر واقع می‌شود. در واقع مشارکت با ایجاد فرایند تعاملی نقش مهمی در تلفیق اطلاعات، دانش و آگاهی و هم افزایی فکری جهت انتخاب اولویت‌ها و بطور کلی تصمیم منطقی دارد. نتایج آزمون جهت تأیید این مطلب نشان می‌دهد بین مهارت در تصمیم‌گیری و میزان توانایی اعمال قدرت و کنترل بر منابع و امکانات با ضریب همبستگی ۰/۵۶۹ و سطح معناداری ۰/۰۱۷ رابطه مثبتی وجود دارد.

ارزیابی اثر ویژگی‌های مکانی - فضایی مشارکت در توانمندسازی اقتصادی :

جهت سنجش سطح تأثیر ویژگی‌های مکانی - فضایی مشارکت در میزان توانایی اعمال قدرت و کنترل بر منابع از رگرسیون گام به گام استفاده شده است. با توجه به ویژگی رگرسیون گام به گام در حذف شاخص و ویژگی‌هایی که در معادله اهمیتی کمتری دارند، در این آزمون ویژگی مکانی - فضایی مهارت در تصمیم‌گیری، اثرگذاری بیشتری نسبت به سایر ویژگی‌ها در میزان توانمندی اقتصادی روستائیان داشته در مدل باقی ماند. نتایج نشان می‌دهد ویژگی مکانی - فضایی مهارت در تصمیم‌گیری با ضریب تعیین (R²) ۰/۳۲۴، بیشترین تأثیر را بر میزان توانمندسازی اقتصادی بهره‌برداران در اعمال قدرت بر عوامل تولید کشاورزی اعم از زمین، آب، خاک، نیروی انسانی و بازار فروش محصولات داشته است، به طوری که ۳۲/۴ درصد از تغییرات آن را تبیین می‌کند. (جدول شماره ۶).

جدول ۶- معیارهای وارد شده و سهم هر ویژگی در مدل رگرسیون گام به گام

مدل	ویژگی وارد شده به مدل در هر مرحله	ضرایب تعیین (R ²)	سهم هر ویژگی در تبیین بعد وابسته (درصد)
۱	مهارت در تصمیم‌گیری	۰/۳۲۴	۳۲/۴

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۰

اهمیت نسبی ویژگی‌های مکانی - فضایی تأثیرگذار بر میزان توانمندسازی اقتصادی را بتاها نشان می‌دهد. مقدار بتای بدست آمده مهارت در تصمیم‌گیری ۰/۵۶۹ و مقدار معنی داری آن ۰/۰۳۴ می‌باشد. این امر نشان می‌دهد که این ویژگی تأثیر مستقیمی بر میزان توانمندسازی اقتصادی روستائیان در بخش کشاورزی دارد و با تغییرات آن سطح توانمندی تغییر می‌کند. (جدول شماره ۷).

جدول ۷- ضرایب رگرسیون برای بررسی تاثیر ویژگی های مکانی فضایی مشارکت بر سطح توانمندسازی اقتصادی

ویژگی وارد شده به مدل	ضرایب رگرسیونی (B)	خطای استاندارد	ضرایب رگرسیونی استاندارد (β)	مقدار t	سطح معنی داری
ضریب ثابت	۱/۱۴	۰/۴۹۹		۲/۲۸	۰/۰۴۱
مهارت در تصمیم گیری	۰/۶۷۶	۰/۲۸۲	۰/۵۶۹	۲/۳۹	۰/۰۳۴

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۰

رفتار فرد از محاسبه و سنجش میان امتیازات و دردها، میان سود و زیان که وضعیت‌های متفاوت نصیبش می‌شود، نشأت می‌گیرد (ژیرو، ۱۳۸۴: ۱۳۹). بر این اساس نظریه تبیین گری که می‌تواند چار چوب کارآمدی برای فهم رفتارهای اجتماعی فراهم کند، نظریه انتخاب عاقلانه در کنش است. در این نظریه تصمیم‌گیری مبتنی بر صرف منفعت فردی، نظم جامعه، بعنوان ابزاری تلقی می‌شود که از طریق آن افراد به منافع خود دست پیدا می‌کنند (صباغ پور، ۱۳۸۷: ۱۳۳). این فضای نظم‌پذیر زمانی ایجاد می‌شود که استراتژی‌های زمینه‌ساز آن فراهم باشد. در فعالیت کشاورزی نیز روحیه محاسبه‌گری در بهره‌برداران وجود دارد ولی زمینه تبلور پیدا نمی‌کند. یعنی عوامل زمینه‌ساز بکارگیری این نیرو در بهره‌برداران ایجاد نمی‌شود. به عبارتی دیگر در بخش کشاورزی زمانی ما توانایی بکارگیری نیروی خردمندانه بهره‌برداران را پیدا می‌کنیم که زمینه‌های حمایتی و بیمه، آموزش و ترویج، ثبات قیمت‌گذاری، دسترسی به نهاده‌ها و ایجاد تشکل و سازمان‌های تولیدی فراهم باشد. دستیابی به این مهم درحالی که عملکرد عمرانی دولت نیز در سطح روستاها نیز کارساز نیست به تجمیع انرژی و مشارکت بهره‌برداران احتیاج دارد که متأسفانه در مناطق روستایی مورد مطالعه شکل نگرفته است.

در مجموع توانمندسازی اقتصادی بخش کشاورزی در نواحی روستایی محصول هماهنگی و نظم عناصر اطلاعاتی، مالی، اعتمادسازی و مهارتی است که پیش شرط آن ارتقای سطح مشارکت روستائیان می‌باشد. این درحالی است که نتایج به دست آمده از سکونتگاه‌های روستایی ایچرود بالا نشان می‌دهد میانگین مشارکت در آن ۱/۷۸ می‌باشد. این بیانگر این امر است که فضای مشارکتی لازم جهت هماهنگی عناصر اطلاعاتی، مالی، اعتمادسازی و مهارتی ایجاد نشده و شکل‌گیری آن با مشکل مواجه است. بنابراین جهت خروج اقتصاد روستاها از این وضعیت اتخاذ راهکارهای مناسب جهت افزایش طرح‌های مشارکتی و ترغیب مردم به کارهای جمعی اجتناب‌ناپذیر می‌باشد.

نتیجه‌گیری:

بطور کلی شناخت ابعاد وجودی توانمندسازی اقتصادی در نواحی روستایی با مقوله‌ی اعطای قدرت مفهوم‌سازی می‌شود. شکل‌گیری این توانایی در زمینه اقتصاد روستایی در گرو مکانیسمی است که بطور ذاتی ابزار اعمال قدرت را در خود نهفته داشته باشد و قادر باشد فضایی را طراحی کند که عناصر کسب قدرت را در بطن خود به همراه بیاورد. در این بین رهیافت مشارکت بعنوان ابزاری کارآمد در فرایند توسعه اقتصاد کشاورزی نقش مؤثری در فراهم آوردن بستر توانمندسازی اقتصادی با ویژگی‌های اطلاعاتی، مالی، اعتمادسازی و مهارتی دارد. در واقع مشارکت با ویژگی‌های مکانی- فضایی اطلاعات و دانش، منابع مالی و اعتباری، شبکه اعتماد و مهارت در تصمیم‌گیری نمایان می‌شود و موقعیت دسترسی به منابع اعمال قدرت و کنترل منابع را برای روستائیان بوجود می‌آورد. مقاله حاضر ارتباط مکانیسم مکانی- فضایی مشارکت را در شکل‌گیری توانمندسازی اقتصادی بخش کشاورزی سکونتگاه‌های روستایی دهستان ایچرود بالا و توانایی این رهیافت را در مهارت‌های ادراکی و ظرفیت‌های شناختی کشاورزان نشان داده است. بررسی‌های انجام یافته نشان می‌دهد سطح مشارکت در سکونتگاه‌های مورد نظر از حد مورد نظر پایین‌تر است. میانگین بدست آمده از ویژگی‌های مکانی- فضایی مشارکت نیز از وضعیت مناسبی برخوردار نبوده و در تمامی موارد از میانه نظری مورد انتظار پایین‌تر می‌باشد. نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن جهت اثبات فرضیه‌ها نیز نشان می‌دهد بین ویژگی مکانی- فضایی تمامی عرصه‌های اطلاعاتی، مالی، اعتمادسازی و مهارتی و توانمندسازی اقتصادی برترتیب با ضرایب ۰/۲۸۷، ۰/۲۳۰، ۰/۰۴۶، ۰/۵۶۹ و سطح معناداری ۰/۰۲۵، ۰/۰۲۹، ۰/۲۴۷ و ۰/۰۱۷ در سطح ۱۴ سکونتگاه روستایی دهستان ایچرود بالا ارتباط مستقیمی وجود دارد. جهت بررسی میزان اهمیت ویژگی‌های مکانی- فضایی مشارکت در

شکل‌گیری توانمندسازی اقتصادی از آزمون رگرسیون گام به گام استفاده شد. در این آزمون تنها ویژگی مکانی - فضایی مهارت در تصمیم‌گیری با ضریب تبیین ۰/۳۲۴ باقی ماند. مقدار بتای بدست آمده در تعیین اهمیت نسبی آن ۰/۵۶۹ با سطح معناداری ۰/۰۳۴ می‌باشد. در نهایت با توجه به پایین بودن سطح مشارکت در روستاهای مورد مطالعه وضعیت توانمندسازی اقتصادی در بخش کشاورزی نیز با میانگین ۱/۸۱ از شرایط مناسبی برخوردار نمی‌باشد و بطور کلی نتیجه بدست آمده بیانگر این است بسترهای لازم جهت اعمال رویکردهای مشارکت در توانمندسازی اقتصادی روستاییان در بخش کشاورزی تا حد کمی فراهم شده است. به هر حال با توجه به گسترش دیدگاه‌های توسعه مردم محور در زمینه توسعه روستایی و اثبات فرضیه‌های تحقیق، تأکید بر رهیافت‌های مشارکتی جهت توانمندسازی اقتصادی بخش کشاورزی سکونتگاه‌های روستایی اجتناب ناپذیر می‌باشد.

منابع:

۱. آغاز، محمد حسن (۱۳۷۸): «مشارکت: ابزار مدیریت عقلانی»، نشریه تعاون، سال دهم، شماره ۹۱، تهران.
۲. اوجاقلو، سجاد و محمدجواد زاهدی (زمستان ۱۳۸۴): «بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین ساکنان شهر زنجان»، مجله جامعه‌شناسی ایران، سال ششم شماره ۴، تهران، صص ۹۲-۱۲۵.
۳. حاجی هاشمی، سعید (۱۳۸۴): توسعه و توسعه‌نیافتگی: کلیات، اصول و ابعاد (با تأکید بر متد تفکر در توسعه)، انتشارات گفتمان اندیشه معاصر، چاپ اول، اصفهان.
۴. حسنی، علی (۱۳۸۸): «عوامل مؤثر بر توسعه یادگیری گروهی»، ماهنامه معرفت، سال سوم، شماره ۲، تهران.
۵. رحمانی، تیمور و میثم امیری (بهار ۱۳۸۶): «بررسی تأثیر اعتماد بر رشد اقتصادی در استان‌های ایران با روش اقتصادسنجی فضایی»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۸، تهران، صص ۲۳-۵۷.
۶. رضوانی، محمدرضا و علی احمدی (۱۳۸۸): «مکان و نقش فرهنگ در شکل‌گیری هویت مکانی»، نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، شماره ششم، تهران.
۷. رضوانی، محمد رضا، بدری، سید علی، سلمانی، محمد و بهروز قرنی آرانی (پاییز ۱۳۸۸): «تحلیل عوامل مؤثر بر الگوی مشارکتی توسعه روستایی»، مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی، سال ۴۱، شماره ۶۹، تهران، صص ۸۶-۶۷.
۸. رضوی، میرکازم (۱۳۸۴): «کاربرد روش‌ها و فنون رهیافت مشارکت گامی در جهت ظرفیت‌سازی سازمانی و توانمندسازی مردم جوامع محلی»، چهارمین کارگاه فنی مشارکت کشاورزان در مدیریت شبکه‌های آبیاری و زهکشی (اصول و روش‌های کاربردی).
۹. رهنمایی، محمد تقی و یوسف اشرفی (۱۳۸۶): «فضاهای عمومی شهر و نقش آن در شکل‌گیری جامعه مدنی از دیدگاه برنامه ریزی شهری»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال پنجم، شماره چهاردهم و پانزدهم.
۱۰. زاهدی مازندرانی، محمدجواد (۱۳۸۹): توانمندسازی، دایرةالمعارف سازمان دهیاری‌ها و شهرداری‌ها، وزارت کشور، چاپ اول، تهران.
۱۱. ژیرو، کلود (۱۳۸۴): تاریخ جامعه‌شناسی، ترجمه: گیتی خردپسند، انتشارات مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر، تهران.
۱۲. سعیدی، محمدرضا (۱۳۸۲): درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیردولتی، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
۱۳. شبلینگ، ژاک (۱۳۸۵): جغرافیا چیست؟ ترجمه سیروس سهامی، انتشارات محقق، چاپ اول، تهران.
۱۴. صباغ پور، علی اصغر (۱۳۸۷): منافع فردی و منافع جمعی، ناشر: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی دفتر گسترش تولید علم، تهران.
۱۵. عطار، سعید (۱۳۸۷): «پیروردیو: از فضای اجتماعی تا سرمایه اجتماعی»، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۵۲، تهران.
۱۶. فاضل نیا، غریب و عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری (۱۳۸۴): «تبیین نظریه‌ای عوامل مؤثر بر شناخت و آگاهی روستاییان از توانش‌های خود و محیط پیرامون»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، سال ۹، شماره ۳۸، تهران، صص ۱۱-۱۵۰.

۱۷. قربانی زاده، وجهاله و شیرین خالقی نیا (۱۳۸۸): «نقش انتقال دانش ضمنی در توانمندسازی کارکنان»، فصلنامه پژوهش های مدیریت منابع انسانی دانشگاه جامع امام حسین(ع)، سال سوم، شماره ۲، تهران، صص ۵۱-۳۷.
۱۸. گرجی، محمدباقر (۱۳۸۹): «ارزیابی تأثیر توانمندسازی بر عملکرد کارکنان»، فصلنامه مدیریت، شماره ۱۷، تهران.
۱۹. محمودی نژاد، هادی، پورجعفر، محمد رضا، بمانیان، محمد رضا، انصاری، مجتبی و علی اکبر تقوایی (۱۳۸۷): «پدیدار شناسی محیط شهری: تأملی در ارتقای فضا به مکان شهری»، مجله علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره دهم، شماره چهار، تهران.
۲۰. محمدی، مجید (۱۳۷۶): جامعه مدنی به منزله یک روش، نشر قطره، چاپ اول، تهران.
۲۱. ملک محمدی، ایرج (۱۳۷۶): «تحلیل تطبیقی ترویج و توسعه از دیدگاه نظریه مبادله: پردازش نظریه ای برای فقرزدایی اطلاعاتی»، مجله جهاد (ترویج کشاورزی و توسعه روستایی)، سال بیستم، شماره ۱۹۵، تهران.
22. Ahlerup. P & et al., (2008): Social capital vs institutions in the growth process, *European Journal of Political Economy*, doi: 10.1016/j.ejpoleco. 09.008.
23. Tiepoh, M. & Reimer, B. (2004): Social Capital, Information Flows, and Income Creation in Rural Canada: Across-Community Analysis, *Journal of Socio-Economics*, 33, pp427-448.
24. Wallace. Ian (2007): a framework for revitalization of rural education and training systems in sub-Saharan Africa: Strengthening the human resource base for food security and sustainable livelihoods, *International Journal of Educational Development* 27, pp 581-590.
25. www.iec.hbi.ir/Books/pdf.
26. YAO. Shujie (2002): China's rural economy in the first decade of the 21st century: problems and growth constraints, *China Economic Review* 13, pp 354-360.
27. Zezza. Alberto, Carletto. Gero, Davis. Benjamin and winters. Paul (2009): Rural Income Generating Activities: Whatever Happened to the Institutional Vacuum? Evidence from Ghana, Guatemala, Nicaragua and Vietnam, *World Development* Vol. 37, No. 7, pp. 1297-1306.